

گفتگوی پروانه فروهر با پریسا ساعد، گزارشگر تلویزیون ما

گزارشگر: خانم فروهر، من پریسا ساعد هستم و از تلویزیون ما خدمت شما زنگ می‌زنم. ضمن تأثر عمیق از این فاجعه‌ی غم‌انگیز، اجازه بدهید که من این مصیبت را به شما و خانواده‌ی دکتر هما دارابی و عموم هم‌میهنان، به‌خصوص جامعه‌ی زنان ایران، تسلیت بگویم.

شما باید بدانید که این خبر در خارج انعکاس وسیعی داشته و عموم مردم را واقعاً متأثر کرده است. خانم فروهر، شما از نزدیکترین دوستان خانم دکتر دارابی بودید و، تا آنجا که ما اطلاع داریم، در جریان‌های اجتماعی و سیاسی، تا آنجا که من شنیدم، دوش‌به‌دوش هم فعالیت داشتید. ما می‌دانیم که ایشان یکی از کادرهای برجسته‌ی حزب ملت ایران بودند و شما کاملاً با ایشان آشنا هستید. شما بگویید که واقعاً چه عواملی دست‌به‌دست هم داد تا یک پزشک برجسته‌ی ملی‌گرا، یک مبارز پنجاه‌وسه‌ساله دست به چنین اقدامی بزند. به ما در رابطه با شخصیت ایشان، فعالیت‌های ایشان، آشنایی خود شما با ایشان بفرمایید و بگویید که واقعاً چه بر ایشان گذشت.

پروانه فروهر: خانم دکتر هما دارابی از دانشجویان مبارز جنبش دانشجویی سال ۱۳۳۹ هستند و همان هنگام عضو حزب ملت ایران بودند. در همان هنگام، ایشان عضو کمیته‌ی دانشگاه بودند و به عنوان یکی از سرشناس‌ترین دانشجویان، یکی از اصلی‌ترین مبارزان به زندان افتادند.

به هنگام تشکیل کنگره‌ی جبهه‌ی ملی در پاییز ۱۳۴۱، دو زن برگزیده شدند که یکی خانم هما دارابی بود و یکی من. سال ۱۳۴۲، با هم‌رمز خودشان، آقای دکتر منوچهر کیهانی، ازدواج کردند و همراهش دو دختر است که هر دو در خارج از کشور مشغول تحصیل هستند. بعد از پایان دوره‌ی پزشکی در ایران، خانم دکتر هما دارابی به آمریکا رفتند و در آنجا به اخذ درجه‌ی تخصص در بیماری‌های کودکان نائل شدند. بعد، دوره‌ی روان‌شناسی کودک را گذراندند، بُرد دانشگاهی به ایشان داده شد و، در همان حال، کوشش‌های سلطه‌ستیزانه‌ی خود را هم دنبال می‌کردند. نیمه‌های سال ۱۳۳۵ بود که همراه خانواده‌شان به ایران بازگشتند تا به مردم میهنشان کمک کنند، در واقع دو سال قبل از انقلاب. در تمامی رویدادهایی که به انقلاب انجامید، حضوری کوشا و صمیمانه داشتند و واقعاً می‌شود گفت او هر کجا بود گرمابخش محیط بود. اما متأسفانه خوشه‌چینان پس از پیروزی انقلاب، همان طور که شیوه‌ی کارشان هست، چهره‌های پرارج و کارا را یکی پس از دیگری کنار زدند و جای آن‌ها را به ازراهرسیدگان بی‌مایه دادند. خانم دکتر هما دارابی هم از این قانون دور نماند و، سال تحصیلی ۱۳۶۹، گردانندگان واپس‌گرای دانشگاه او را بر خلاف نص صریح قانون از استادی، که ایشان عاشقانه دوست می‌داشت، برکنار کردند.

گزارشگر: دلایلتان برای این برکناری چه بود؟

پروانه فروهر: دلایلتان همان دلایل مسخره‌ای بود که همه جا با زن‌ها برخورد می‌کنند، عدم رعایت برخی شئونات. به دنبال این ستم آشکار، ابتدا، به ایستادگی پرداخت، بعد دچار افسردگی شد؛ و، با اینکه او را درمان می‌کردند و از پرستاری‌های ویژه‌ای برخوردار بود و، همان طور که گفتم، همسرشان هم که یک پزشک عالی‌قدری است که با هم روابط خوبی هم داشتند؛ ولی متأسفانه پنج بار دست به خودکشی زد که هر بار او را نجات دادند و سرانجام دست به چنین عمل جسورانه‌ای زد.

گزارشگر: و به این ترتیب که شما می‌فرمایید، پس ایشان از مدت‌ها پیش ...

پروانه فروهر: از دو سال پیش دچار افسردگی بود.

گزارشگر: من دوست دارم که شما بیشتر این مسئله را باز کنید. شما فرمودید که ایشان دختر جوانی بودند که در سال‌های چهل فعالیت برجسته‌ای در حزب ملت ایران داشتند و بعد به آمریکا می‌آیند، ادامه‌دهی تحصیل می‌دهند، بعد از انقلاب به ایران بازمی‌گردند. به ما بگویید مرحله‌به‌مرحله چه بر ایشان گذشت. ایشان کرسی استادی را در زمان جمهوری اسلامی به دست آوردند؟

پروانه فروهر: خیر، ایشان همان سال پنجاه‌وپنج، که به ایران بازگشتند، به عنوان استاد پذیرفته شدند و، همان طور که گفتم، در تمامی تلاش‌هایی که به انقلاب انجامید، خانم دکتر هما دارابی حضور داشتند، شرکت داشت صمیمانه. از همان آغاز، که مسئله‌ی زنان طرح شد، خانم دکتر هما دارابی یکی از کسانی بود که جلوی این مسئله ایستاد و خواستار این شد که زن را زیر ستم نگیرند. همراه دیگر زنان دیداری داشت با آقای بنی‌صدر، که در آنجا اعلام کرد نظراتش را.

گزارشگر: مرحله‌به‌مرحله فعالیت‌های ایشان را بعد از انقلاب و برخورد جمهوری اسلامی را نسبت به ایشان؛ و مسلماً ایشان از نظر جمهوری اسلامی یک فرد عادی نبودند، با در نظر گرفتن وضعیت ایشان، مسلماً جمهوری اسلامی به ایشان به عنوان یک عنصر فعال سیاسی نگاه می‌کردند. برخورد جمهوری اسلامی با ایشان چگونه بوده؟ آیا درگیری‌های سیاسی داشتند؟

پروانه فروهر: خیر، درگیری سیاسی نداشتند، تنها همین برکنار شدن از کارشان بود.

گزارشگر: ایشان همچنان عضو حزب ملت ایران بودند.

پروانه فروهر: بله، ایشان همچنان عضو حزب ملت ایران بودند تا پایان زندگی.

گزارشگر: ما می‌دانیم که حزب ملت ایران یک حزب قانونی است. الان در جمهوری اسلامی علنی است.

پروانه فروهر: به چه صورت علنی است؟ در اینجا هیچ حزبی که همسو با دولت نباشد علنی نیست.

گزارشگر: آیا حزب ملت ایران قانونی است؟

پروانه فروهر: یقیناً.

گزارشگر: آیا ایشان در این رابطه فعالیت‌هایی داشتند، در ارتباط با مخالفت‌هایشان؟

خانم فروهر: در چه رابطه‌ای، حزب ملت ایران؟

گزارشگر: ایشان یکی از کادرهای برجسته‌ی حزب ملت ایران بودند. شما بگویید که آیا این حزب امروز، در حال حاضر فعالیت دارد و آیا قانونی است در جمهوری اسلامی یا خیر.

پروانه فروهر: حزب، فعالیت دارد، ما هم خود را قانونی می‌دانیم؛ ولی جمهوری اسلامی چقدر ما را تحمل

می‌کند، این بستگی به خودش دارد. پیوسته هم حضور داشتیم، پیوسته هم در رویدادهای اجتماعی اظهارنظر

کردیم، مردم را هشدار دادیم. ولی خانم دکتر هما دارابی، همان طور که گفتم، از دو سال پیش دیگر وجود فعالی نبودند، نه در زندگی خانوادگی‌شان و نه در زندگی اجتماعی؛ برای اینکه دچار افسردگی بودند.

گزارشگر: ما شنیدیم که ایشان بعد از اینکه از دانشگاه استعفا می‌دهند مطب خصوصی خودشان را می‌زنند، ولی همواره مورد آزار و فشار جمهوری اسلامی بودند، بارها به مطب ایشان آمدند و ایشان را تحت فشار قرار دادند و ایشان در نهایت ناچار شدند که مطب را ببندند و به گوشه‌ی عزلت و در خانه پناه ببرند.

پروانه فروهر: بستن مطب دقیقاً مسئله‌ای بود که به روان او کار داشت، نه به جمهوری اسلامی؛ یعنی، بعد از

اینکه دچار افسردگی شد، چنان این افسردگی دامنگیرش شد که نتوانست مطب را اداره کند. به همین دلیل رفت به خانه و از تمام کارهای علمی خود دست شست.

گزارشگر: در این زمینه شما اشاره کردید که کمکهایی هم از طرف دوستان به او شد، برای بازگشت به زندگی. **پروانه فروهر:** بله، اما دیگر پذیرا نبود. دو ماه پیش، به دیوان عدالت اداری که شکایت شده بود برای حکمی که داده شده بود، دیوان عدالت اداری، به‌رغم همه‌ی نقایصی که دارد، ناگزیر حکم را لغو کرد؛ ولی دیگر خیلی دیر شده بود و او چنان دچار افسردگی شده بود که دیگر بازگشتنی نبود. حکمی که در رابطه با برکناری از استادی بود را می‌گویم که دوباره ایشان شروع به کار کنند. همسرشان سخت در این راه تلاش کردند.

گزارشگر: به هر حال، این باعث تأسف بسیار است؛ ولی باید بدانید که انعکاس وسیعی در خارج از کشور داشته. شما به ما بفرمایید که چه واکنشی در داخل ایران در رابطه با این فاجعه انجام شده است.

پروانه فروهر: همین امروز، ختمی برای ایشان گذاشته شده بود که همسر من اعلان داده بود، دوستان سیاسی‌اش جداگانه اعلان داده بودند، برخی از هواداران جبهه‌ی ملی اعلان داده بودند و چنان باشکوه برگزار شد که این پاسخی بود که مردم دادند نسبت به این قضیه. البته توجه داشته باشید که اینجا سانسور وجود دارد و مردم به همه چیز به‌هنگام دسترسی پیدا نمی‌کنند.

گزارشگر: چه واکنشی از طرف رژیم شما در این رابطه دیدید؟

پروانه فروهر: تا کنون هیچ. امروز البته می‌گفتند برخی کسان حضور داشتند که می‌شود گفت مثلاً از طرف دستگاه آمده‌اند؛ ولی آمده بودند لابد برای اینکه ببینند چقدر جمعیت آمده، ولی هیچ دخالتی وجود نداشت.

گزارشگر: رسانه‌های گروهی چطور؟

پروانه فروهر: خیر، رسانه‌های گروهی، روزنامه‌ی کیهان از چاپ مطالب سر باز زد، فقط اعلان ختم خانواده را چاپ کرد؛ ولی روزنامه‌ی اطلاعات چاپ کرد؛ و همین هم سبب شد که مردم بفهمند.

گزارشگر: یعنی تنها روزنامه‌ی اطلاعات این خبر را درج کرد؟

خانم فروهر: بله، دقیقاً.

گزارشگر: پس، از طرف جمهوری اسلامی هیچ واکنشی نشان ندادند؟

خانم فروهر: نخیر.

گزارشگر: به هر حال، خانم فروهر، من به عنوان یک زن ایرانی می‌خواهم این سؤال را از شما بکنم که به شما زنان ایرانی در داخل ایران چه می‌گذرد واقعاً. ما می‌خواهیم بدانیم.

پروانه فروهر: اینجا، به‌رغم شعارهای رنگارنگ تبلیغاتی، که می‌گویند زن ستم‌دیده‌ی مطلق است همه جا، چه در خانواده، چه در اجتماع؛ ولی ایستاده، باز همه جا، در اداره، در خانه، در جامعه ایستاده و بیشترین مقاومت را از خودش نشان داده است و، در پاسخ به تبعیض‌های اجتماعی، به ساختن خودش پرداخته. هر روز بر شمار زنان کارا، هنرمند، نویسنده، شاعر، کارگردان، مترجم، پزشک، جراح و ... می‌بینید که افزوده شده و این پاسخ زنان به تبعیض است.

گزارشگر: واکنش جمهوری اسلامی، به‌خصوص آن دسته که خودشان را میانه‌رو می‌خوانند، نسبت به مسئله‌ی زن چیست؟

پروانه فروهر: گفتم که شعار است و تبلیغ. به هیچ وجه از درون‌مایه‌ای برخوردار نیست.

گزارشگر: یعنی هیچ تفاوتی ...

پروانه فروهر: خیر، اینها تعبیرهای خارج از ایران است؛ در داخل ایران، به هیچ وجه، گروه‌هایی که نرم‌تر باشند یا گروه‌هایی که تندروتر باشند، اینها ظاهر قضیه است. هیچ تفاوتی به هیچ وجه بین اینها، به‌خصوص در یک چنین مسائل بنیادی، وجود ندارد.

گزارشگر: وضعیت حقوق بشر را در ایران - زنان را که شما اشاره فرمودید - اما به‌طور کلی گزارش‌هایی به ما می‌رسد از طرف سازمان‌های مختلف مدافع حقوق بشر در رابطه با برخوردهای غیرقانونی، در رابطه با فشارهای بیش از اندازه نسبت به زنان، در رابطه با شکنجه ... اینها را شما تا چه اندازه تأیید می‌کنید؟

پروانه فروهر: این احتیاج به یک بررسی دقیق دارد و در این فرصت کوتاه نمی‌توانم پاسخ بدهم. من قبول دارم که حقوق بشر در اینجا رعایت نمی‌شود، نه نسبت به زنان، نه نسبت به مردها؛ البته زنان از ستم بیشتری برخوردارند.

گزارشگر: مسلماً. نقش رسانه‌های همگانی را شما تا چه حد مؤثر می‌بینید در ایجاد یک نوع تحول؟
خانم فروهر: ان‌شاءالله، تلاش‌ها به جایی برسد که مردم از این حالتی که تقریباً می‌شود گفت فرورفته‌درخود، افسرده از این همه بدبختی، که بار زندگی‌شان هست، به‌خصوص فقر و نداری، نداشتن همه چیز، در همی زمینه‌ها، امیدوارم تلاش‌ها به جایی بینجامد که این مردم به خویشتن خویششان بازگردند و برخیزند و بخواهند مردمسالاری را.

گزارشگر: تصویری که ما در خارج از ایران داریم در رابطه با جمهوری اسلامی بسیاری معتقدند که ابعاد بحران در تمام شئون زندگی مردم ایران، همان طور که شما هم اشاره کردید، آن قدر وسیع است که نهایتاً منجر به فروپاشی خود رژیم خواهد شد؛ و شما به عنوان کسانی که طرفدار آزادی، طرفدار حقوق بشر هستید و همواره فعال بوده و فعالیت می‌کنید از ایرانیان خارج از کشور، که متأسفانه در عرض این چهارده سال به خاطر درگیری‌های ایدئولوژیکی پراکنده و جدا بودند و کارنامه‌ی درخشانی متأسفانه تا به امروز ندارند، از افراد خارج از کشور چه انتظاری دارید، با در نظر گرفتن اینکه ما امروز می‌بینیم همان گروه‌هایی که دامن می‌زدند به این پراکندگی امروز به این نتیجه رسیده‌اند که بایستی روی یک اصول مشترکی با هم به توافق برسند در راه پیشبرد اهدافشان. شما چه انتظاری دارید؟

پروانه فروهر: خیلی خوشحالم که این چیزها را می‌شنوم و جای امیدواری هست. توقع ما، که در ایران هستیم، این است که صدایی که اینجا برمی‌خیزد آنجا پاسخ داده شود. همین طور که اینجا توقع پاسخ داریم، آنجا هم توقع پاسخ از هم‌میهن‌انمان داریم. صدای ما را فرصت دهند که در همه جا پخش شود.

گزارشگر: در خارج از کشور که ما، من خودم، به عنوان یک کسی که تهیه‌کننده‌ی یک برنامه‌ی تلویزیونی هست این را می‌توانم به شما بگویم که بسیاری از رسانه‌های گروهی اینجا مایل به ایجاد ارتباط و یک دیالوگ با داخل ایران هستند؛ ولی این از طرف ایران مشاهده نمی‌شود، به علت اختناق حاکم. آیا فکر می‌کنید این استنباطی که ما داریم، یعنی من خیلی صادقانه به شما بگویم من امروز که با شما صحبت می‌کنم بسیاری از سؤالات را مطرح نمی‌کنم، به علت اینکه نمی‌خواهم برای شما که در داخل کشور هستید گرفتاری‌هایی به وجود آید، آیا امکان ایجاد دیالوگ یا امکان ایجاد یک مکانیزم ارتباطی آیا شما فکر می‌کنید که باشد؟

پروانه فروهر: چراکه نه، همین حرف‌های ما را که اینجا می‌شنوید آنجا بازگو و دنبال کنید. این خودش می‌شود

یک رابطه و بهترین رابطه - کاری که پیوسته بوده و در گذشته هم بوده.

گزارشگر: آیا شما موافق هستید که رسانه‌های گروهی اینجا سعی و تلاش کنند که با مطبوعات ایران تماس بگیرند و از آنها سؤال کنند و از آنها پاسخ بخواهند؟ آیا به ایجاد یک چنین دیالوگی شما معتقد هستید؟

پروانه فروهر: اگر بتوانید، چه بهتر، اگر بتوانند و اینجا کسانی که مورد سؤال قرار می‌گیرند فرصت این را داشته باشند که پاسخ بدهند.

گزارشگر: آیا شما کمکاری از طرف رسانه‌های گروهی خارج از کشور می‌بینید و احساس می‌کنید؟
پروانه فروهر: فقط رسانه‌ها خیر، از طرف همه‌ی مردمی که خارج از ایران هستند.

گزارشگر: چه احساسی شما که در داخل هستید...

پروانه فروهر: اولاً که صداهای متفاوت یک شعار مشخص را پیش نمی‌گیرند که دور آن جمع شوند و ثانیاً که توجه ندارند به آنچه که در داخل ایران می‌گذرد.

گزارشگر: از واقعیت‌ها به دور هستند؟

پروانه فروهر: دقیقاً.

گزارشگر: چگونه می‌شود برای ما، که مشتاق هستیم به واقعیت‌ها دسترسی پیدا کنیم، حقایق را بدانیم، یک

مکانیزم سالم ارتباطی برقرار کرد، به دور از شایعات، چگونه می‌شود؟ متأسفانه من خودم بارها این را در

مصاحبات قبل و در برنامه‌های قبلی اشاره کردم که، به هر حال، به علت کمکاری یا ندانمکاری یا ندانم‌خواهی، ما

هنوز نتوانسته‌ایم یک گروه تحقیقاتی مؤثر داشته باشیم که بدینم واقعاً چه در ایران می‌گذرد، چه بر ملت ایران

می‌گذرد، مردم ایران چه نگاهی به خارج دارند، چه نگاهی به داخل دارند، شیوه‌ی مبارزه را به چه صورت

می‌بینند، تشکل بایستی به چه صورتی به وجود آید. ما از شما می‌خواهیم بشنویم. این برای ما خیلی مهم است.

پروانه فروهر: باید فضا باز شود، احتیاج واقعاً به این هست که فضای بازتری داشته باشیم برای گفتگو.

نمی‌شود با این همه ستمی که بر مردمی که داخل ایران هستند می‌رود توقع داشت که آنچه که به طور کامل بر آنها

می‌گذرد به طور کامل در اختیار شما بگذارند. انصاف باید داد.

گزارشگر: این کاری که خانم دکتر هما دارابی کردند سمبل فریادهای درد و رنجی است که بر زنان ایران حاکم

هست و به گوش هم‌میهن‌انمان خواهد رسید. من خیلی مایل هستم که این دیالوگ را با شما ادامه دهم. در

فرصت‌های بعدی و چنان که موقعیت پیش بیاید، با آقای فروهر هم بتوانم گفتگویی داشته باشم.

پروانه فروهر: انشاءالله.

گزارشگر: من واقعاً سپاس‌گزارم. در انتها، پیامی که می‌تواند حامل آنچه که شما در داخل می‌کشید و ما را در

خارج از کشور لاقلاً بیدار می‌کند که شما چه می‌کشید، در آخرین کلام، به ما بگویید.

پروانه فروهر: ضمن حرف‌هایم، همه‌ی پیام‌هایم را داده‌ام. پیام خاصی ندارم. یک شعر فارسی هست که به

صورت ضرب‌المثل در آمده:

گر در این خانه کس است/ یک حرف بس است.

گزارشگر: با تشکر و با عرض تسلیت به شما و تمام مبارزین و هم‌میهن‌انم. امیدوارم که روزی برسد که ما بتوانیم

در کشور خودمان همه در کنار هم در دموکراسی، آزادی، و اعتلای حقوق بشر همگام و هم‌رزم باشیم.

پروانه فروهر: انشاءالله.